دکتور لعل زاد
لندن، ۲۷ سپتمبر ۲۰۲۰

محمود طرزی بنیانگذار نظریه برتری قومی – زبانی

==================================

محمود طرزی نخستین شماره «سراج الاخبار» را در ۱۶ میزان ۱۲۹۰ خورشیدی (۹ اکتوبر ۱۹۱۱) به نشر می رساند. نام این اخبار پس از چند ماه به «سراج الاخبار افغانیه» تغییر می یابد و بعدا محمود طرزی هم «محمود افغانی» می شود (تصویر ۱)!

محمود طرزی در شماره ۹ تاریخ ۳ دلو ۱۲۹۱ (۲۳ جنوری ۱۹۱۳) در مقاله ای می گوید که «زبان افغانی اجداد زبان ها» و «قوم افغان اجداد اقوام آریایی» است. نکات عمده آن قرار زیر است (تصویر ۲):

زبان افغانی اجداد زبانهاست... اجداد اصلی همه فرقه های آریان باز هم خود قوم افغان است... این بیانات ما را بعضی بر تعصب ملتی ما حمل کرده، خواهند گفت که «آقای اخبار والای افغانی، این چنین زبان غلیظ و ثقیل و کلفت را که کیفیت مکالمه آن عادتا به صوت سنگ های میان دبه مشابهت می رساند، می خواهد که اجداد زبان ها و افغان های به این گمنامی و کم عددی و سادگی و کوهستانی وحشی را می خواهد اجداد یک کتله عظیمه بشریه رقم بدهد»...

طرزی در شماره ۲ تاریخ ۲۰ سنبله ۱۲۹۴ خورشیدی (۱۲ سپتمبر ۱۹۱۵) مقاله ای زیر عنوان «زبان و اهمیت آن» می نویسد که نکات عمده آن قرار زیر است (تصویر ۳):

زبان رسمی دولت متبوعه مقدسه ما زبان فارسی و زبان ملتی ما زبان افغانی می باشد... وقتی که اعلیحضرت (احمدشاه بابای غازی) به تاسیس و استقلال سلطنت افغانیه کامیاب آمد، امورات دفتر و کارهای کتابت و میرزایی و جمله نوشت و خوان دولتی که اساس

امور سلطنت برآن موقوف است، به زبان فارسی و به دست همان مردمان فارسی زبان ایرانی الاصل بود که از یادگارهای حکومت سابقه ایران باقی مانده بودند. زبان افغانی به درجه ای اصلاح نیافته بود که دفعتا امورات دفتری و کارهای کشوری به آن زبان تحویل می شد. ذاتا مردمان افغان چون عموما به کار عسکری و فتوحات بلاد و امصار و حرب و ضرب گرفتار بودند، به کارهای میرزایی و تحریرات امورات حکومتی وقت و فرصت نداشتند. حتی این چنین کارها ار برای خود عار می شمردند و به کلمات محقرانه (میرزاگی دی) (و ملاگی دی) ارباب تحریر را حقارت هم می کردند. کتاب های متداوله تحصیل علم و ادبیات هم یا به زبان عربی یا فارسی بوده، زبان افغانی به درجه کفایت از این چیزها سراسر محروم مانده بود...

بنا برین... از آغاز تاسیس استقلال دولت افغانیه زبان رسمی دولتی ما زبان فارسی شده مانده است... بعد از آن... هیچ کسی در پی اصلاح و ترقی زبان افغانی و تبدیل دادن رسومات دولتی از زبان فارسی به زبان افغانی و زبان رسمی ساختن آن نیفتاده اند. دیگر اینکه در خاک پاک وطن عزیز ما تنها اقوام افغانی الاصلی که زبان شان صرف افغانی باشد ساکن نیستند؛ بلکه اقوامی که زبان شان فارسی است نیز به کثرت مقیم و موجود هستند که از اصل اجزای ملت افغان محسوب اند. مردم نفس پایتخت و اکثر شهرهای بزرگ نایب الحکومه نشین ها علی الاکثر به زبان فارسی تکلم هستند. در عموم دفاتر و محاکم رسمی دولتی، زبان فارسی از آغاز تاسیس و تشکیل یافتن حکومت مستقله افغانیه به درجه راکز و راسخ گردیده که تبدیل آن خیلی مشکل است. زبان دربار و خاندان جلیل سلطنت، خواه در وقت حکومت سدوزایی درانی و خواه در وقت حکومت محمد زایی درانی، فارسی بوده و هست.

بنابراین هیچ کس حکم داده نمی تواند که زبان رسمی دولتی ما دفعتا به زبان افغانی تبدیل یابد. یک محذور دیگری هم هست و آن این است که زبان فارسی نسبت به زبان افغانی یک عمومیت و اهمیت بیشتری دارد. مثلا زبان افغانی منحصر و محصور به خاک پاک افغانستان و همین چند ملیون ملت افغان است. حال آنکه زبان فارسی غیراز آنکه زبان

عمومی تمام مملکت دولت همسایه ما ایران می باشد، کذالک در تمام ممالک ماورالنهر و ممالک هندوستان، حتی در ممالک عثمانی نیز معروف و متداول است و از اجرای مهمه زبان های اسلامیه اهل شرق شمرده می شود. یک جزو مهم زبان ترکی عثمانی و ترکی ماورالنهری و اردوی هندی را زبان فارسی تشکیل می دهد که به این سبب ها اگر زبان رسمی دولتی افغانستان زبان فارسی باشد، غیراز آنکه ضرری برآن مرتب شود، از فایده های سیاسی هم خالی نیست...

ما را «ملت افغان» و خاک پاک وطن عزیز ما را «افغانستان» می گویند... تنها مردمان افغانی زبان نی، بلکه همه افراد اقوام مختلفه ملت افغانستان را واجب است که زبان افغانی وطنی و ملتی خود را یاد بگیرند. در مکتب های ما اهم ترین آموزش ها باید تحصیل زبان افغانی باشد. از آموختن زبان انگلیزی، اردو، ترکی و حتی فارسی، تحصیل زبان افغانی را اهم و اقدم باید شمرد...

در سال اول (سراج الاخبار افغانیه) یک مقاله نوشته ثابت کرده بودیم که «زبان افغانی اجداد زبانهاست»... زبان ملتی افغانی خود را تقدیس نمایید و دوست دارید...

نتیجه گیری

🔴 با نشر این دو مقاله محمود طرزی/افغانی در زمان امیرحبیب الله، تهداب مفکوره «برتری قومی - زبانی» برای قوم «افغان» و «زبان افغانی» در کشور گذاشته می شود؛

🔴 با نشر «نظامنامه ناقلین بسمت قطغن» در زمان امیرامان الله، اولین گام های عملی در جهت تطبیق این مفکوره برداشته می شود؛

🔴 با نشر دو مقاله میرغلام محمد غبار زیر عنوان «افغانستان و نگاهی به تاریخ آن» و «تاریخچه مختصر افغانستان» در زمان نادرشاه، نخستن گام های عملی در جهت «تاریخ سازی» برای «قوم افغان» و «کشور افغانستان» برداشته می شود؛

● با ایجاد «پشتوتولنه» و «انجمن تاریخ» زیر ریاست علی احمد کهزاد در زمان ظاهرشاه، «تاریخ سازی» (پته خزانه، تبدیل نام شهرها وغیره)، «نماد/اسطوره سازی» (ملالی، نازو انا وغیره) و «افغان/پشتون/پشتو سازی» در کشور گسترش می یابد؛ نام زبان «فارسی» در ۱۳۴۳/ ۱۹۶۴ به «دری» تبدیل می شود و از ذکر واژه های پارسی به بهانه واژه های بیگانه «ایرانی» جلوگیری می شود؛

● این روند در زمان کرزی-احمدزی به اوج خود می رسد که حالا شاهد آن هستیم...



سراج الاخبار ۱۳۲۹

بهر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ شمسی ۱۲ میزان ۱۲۹۰

تاریخ عربی ۱۵ شوال ۱۳۲۹

سراج الاخبار افغانیه ۱۳۲۹

بهر پانزده روز یکبار نشر میشود

تاریخ شمسی یکم حمل ۱۲۹۱

شمارهٔ ۷ ص ۱۲۳ سال هفتم صحیفه ۱

صاحب امتیاز و سر محرر

محمود افغانی ۵ شوال ۱۳۳۵

ادارهٔ اخبار

ده افغانان کابل

سراج الاخبار افغانیه ۱۳۲۹

قیمت سالیانه

دارالسلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی

در اطراف داخلهٔ مملکت

بااخراجات داك ۱٤ روپیهٔ کابلی

در خارج مملکت

اخراجات داك ۲۰ روپیه انکلیزی

(بهر پانزده روز یکبار نشرمیشود)

قیمت یك نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است

(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)

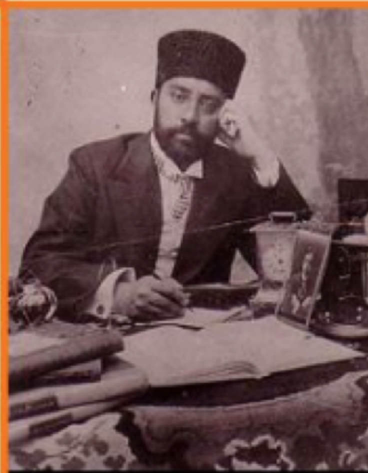
—(همه امورات تحریریه به اداره خانه)—

بنام صاحب امتیاز

(وسر محرر فرستاده میشود)

تاریخ قمری غره صفر المظفر سنه ۱۳۳۶ تاریخ انگریزی ۱۷ نومبر ۱۹۱۷ عیسوی . تاریخ شمسی ۲۵ عقرب ۱۲۹۶

تصویر ۱. تبدیل نام «سراج الاخبار» به «سراج الاخبار افغانیه» و محمود طرزی به «محمود افغانی» (قیمت هر شماره یک «عباسی» گفته شده است. قرار معلوم، «عباسی» واحد پول ایران از زمان شاه عباس اول صفوی بوده است که در زمان امان الله در سال ۱۲۹۸ خورشیدی به نام «روپیه کابلی» و بعد در سال ۱۳۰۴ خورشیدی به نام «افغانی» تبدیل می شود).



مقالهٔ مخصوصه

{ مبحث زبان }

زبان افغانی اجداد زبانهاست

این بیانات مارا بعضي بر تعصب ملتی ما حمل کرده خواهند گفت که « آقای اخبار والای افغانی ، این چنین زبان غلیظ و ثقیل کلفت را که کیفیت مکالمهٔ آن عادتا بصوت سنگهای میان دبه مشابهت میرساند میخواهد که اجداد زبانها ؛ و افغانهای به این گمنامی و کم عددی ، وساده گی ، و کوهستانی وحشي را میخواهد اجدادیک کتلهٔ عظیمهٔ بشریه برقم بدهد »

سراج الاخبار افغانیه، شماره ۹، ۳ دلو ۱۲۹۱ ش (۱۹۱۳)

تصویر ۲. محمود طرزی، سراج الاخبار افغانیه، شماره ۹، ۳ دلو ۱۲۹۱ (۲۳ جنوری ۱۹۱۳)



﴿ زبان ، و أهمیت آن ﴾

یکی ازمکارم اخلاق حسنهٔ ملتی هرملت محافظ، کردن زبان، واصلاح و ترقی دادن آنست . زبان رسمیٔ دولت متبوعهٔ مقدسهٔ ما زبان « فارسی » و زبان ملتیٔ ما زبان « افغانی » میباشد . زبان فارسی ازین سبب زبان رسمیٔ دولتیٔ ما شده است که قبل از تشکیل وتأسیس یافتن دولت مقدسهٔ افغانیه واستقلال یافتن حاکمیت ملتیٔ ما، خاک پاك وطن مقدس ما ازاجزای ممالك ایران محسوب بود .

هنگامیکه (نادرشاه) مشهور که یك بادشاه غیور وجسور ایران بود در ایران بقتل رسید ، (احمد شاه) درانی که از امرای نامدار افغان درمعیت نادر بود همهٔ قوم افغان را جمع آوری کرده به (قندهار) آمد . و در سنه ۱۱۶۱ هجری سلطنت افغانیه را تأسیس نهاده اعلان استقلال نمود . نخستین بادشاهی که همین سلطنت حالاییٔ دولت علیهٔ افغانیه را تشکیل داده ، وتمام افغانستان ، وبسیاری از ممالك ایران، وتمام قسم شمالیٔ هندستان، وکشمیر ونواحیٔ آنرا ضمیمهٔ ممالك ساخته ، و یکدولت قویشوکت معظمهٔ افغانیه را ایجاد وبنیاد داده همین بادشاه بزرگیست که بلقب (غازی) و (بابا) ملقب شده است . این حکمران ذیشان ، و مؤسس نخستین دولت افغان ۲۶ سال بفتوحات و مجاهدات سلطنت کرده درسنه ۱۱۸۷ درشهر قندهار که بنایافتهٔ شاهانه‌شان بود وبه (احمدشاهی) مسمی شده بود بجوار رحمت ایزدی پیوسته از دار دنیا در گذشته‌اند . رحمةالله علیه رحمةً واسعةً .

وقتیکه اعلیحضرت (احمد شاه بابای غازی) بتاسیس و استقلال سلطنت افغانیه کامیاب آمد امورات دفتر وکارهای کتابت ومیرزاییٔ و جمله نوشت‌وخوان دولتی که اساس امور سلطنت بران موقوفست بزبان فارسی و بدست همان مردمان فارسی زبان ایرانی‌الأصلی بود که از یادکار های حکومت سابقهٔ ایران باقی مانده بودند . زبان افغانی بدرجهٔ اصلاح نیافته بود که دفعةً امورات دفتری و کارهای کشوری به آن زبان تحویل میشد . ذاتاً مردمان افغان چون عموماً بکار عسکری وفتوحات بلادوامصار وحرب‌وضرب گرفتار بودند به‌کارهای میرزاییٔ وتحریرات امورات‌حکومتی وقت وفرصت نداشتند حتی اینچنین کارهارا برای خود عار میشمردند ، وبکلمات محقرانهٔ [میرزا کی‌دی] [وملا کی دی] ارباب تحریر را حقارت هم میکردند . کتابهای متداولهٔ تحصیل علم وادبیات‌هم یابزبان‌عربی یابزبان فارسی بوده‌زبان افغانی‌بدرجهٔ کفایت ازین چیزها سراسر محروم مانده بود .

این است که بنا برین سببهای که بطور اجمال از ان بیان نمودیم از آغازتأسیس استقلال دولت افغانیه زبان رسمیٔ دولتیٔ ما زبان‌فارسی شده مانده است. بعد ازانها هم بسبب غوایل‌خارجی واختلالات داخلی هیچ کسی‌درپیٔ اصلاح وترقی‌زبان‌افغانی وتبدیل دادن رسومات دولتی‌را از زبان فارسی بزبان افغانی و زبان رسمی ساختن آن نیفتاده‌اند . دیکر اینکه درخاک‌پاك‌وطن عزیزما تنها اقوام افغانی‌الاصلی که زبان شان‌صرف افغانی باشدسا کن نیستند ؛ بلکه اقوامی که‌زبان‌شان فارسیست نیزبکثرت مقیم‌وموجودهستند که ازاصل اجزای ملت افغان محسوب اند . مردم نفس پایتخت ، وا کثرشهر های بزرك نائب‌الحکومه نشین‌ها علی‌الا کثر بزبان‌فارسی متکلم هستند . در عموم دفاتر ومحا کم رسمیٔ دولتیٔ ، زبان فارسی از آغاز تأسیس وتشکیل یافتن حکومت مستقلهٔ افغانیه بدرجهٔ را کز وراسخ کردیده که تبدیل وتحویل آن خیلی مشکل است . زبان دربارو خاندان جلیل الشان سلطنت ، خواه‌دروقت‌حکومت صدوزاییٔ درانیٔ ، وخواه دروقت حکومت محمد زاییٔ درانی فارسی بوده‌وهست.

بنابرین همیچکس‌حکم داده نمیتواند که زبان رسمیٔ دولتیٔ ما دفعةً بزبان افغانی تبدیل‌یابد . یك محذور دیکری هم هست ، و آن این‌است که زبان‌فارسی نسبت بزبان افغانی یك عمومیت و آهمیت بیشتری‌دارد . مثلا زبان‌افغانی منحصر ومحصور بخاك پاك افغانستان وهمین چندملیون ملت افغانست. حالا آنکه‌زبان فارسی غیرازانکه زبان عمومیٔ تمام مملکت دولت همسایهٔ ماایران میباشد ، کذالك در تمام ممالك ماوراء النهر ، وممالك هندستان ، حتی در ممالك عثمانی نیز معروف ومتداول است ، وازاجزای مهمهٔ زبانهای اسلامیهٔ اهل‌شرق‌شمرده میشود . یك‌جزومهم زبان ترکیٔ عثمانی ، وترکیٔ ماورالنهری ، واردوی هندی را زبان‌فارسی تشکیل میدهد که به این سببها اکر زبان رسمیٔ دولتیٔ افغانستان زبان فارسی باشد غیر از انکه ضرری بران مرتب شود ، از فایده های سیاسی هم خالی نیست ،

در اوروپا تابسیار وقتها زبان فرانسوی ، زبان رسمیٔ عمومیٔ همهٔ دولتهای‌اوروپا بود ، بلکه تاحال هم‌ا کثرمحررات مهمهٔ سیاسیهٔ مانند معاهدات صلحیه وغیره عموماً بزبان‌فرانسوی نوشته میشود . در دولت علیهٔ عثمانیه‌از آغاز تشکیل وتأسیس آن تابسیار زمانها همه‌تحریرات‌رسمیهٔ دولتیٔ شان‌بزبان‌فارسی بود. درزمان‌حکومت اسلامیه‌مغلیه‌درهندستان ؛ تابوقت انقراض شان‌زبان فارسی زبان رسمیٔ دولتی‌بود .

ازاهمیت زبان فارسی‌بسیار بحث‌راندیم . واین‌را هم تسلیم کردیم که زبان فارسی زبان‌رسمیٔ دولتی ماباشد . حالالازم آمد که یکقدری ازخود بگوئیم ـ یعنی از زبان ملتیٔ افغانی خود ـ بحث بمیان آریم . ذاتاً موضوع بحث‌ما ازین عنوان (زبان، واهمیت آن) زبان‌افغانی خودماست.

اولااین‌را باید دانست که هرقوم وهرملت بزبان قومی وملتیٔ خود زنده است . ملتی که زبان شان محو وضایع شود ، هستی وموجودیت شان‌نیز نابودمیکردد . محافظهٔ زبان‌اصلی وفطرتیٔ هرملت بدرجهٔ محافظهٔ زندکیٔ شان‌اهمیت دارد . مارا « ملت افغان » وخاك‌پاك وطن عزیزمارا افغانستان » میکویند . چنانچه عادات ، اطوار ، اخلاق مخصوصی داریم ، زبان‌مخصوصی‌را نیزمالك میباشیم که آن‌زبان‌را (زبان افغانی) میکویند .این زبان‌را مانند حرزجان‌باید محافظه کنیم . درترقی‌واصلاح آن‌جداً کوشش ورزیم . تنها مردمان افغانی زبان نی ، بلکه همهٔ افراد اقوام‌مختلفهٔ ملت افغانستان‌را واجب است که زبان افغانیٔ وطنی وملتیٔ خودرا یادبگیرند . درمکتبهای ما اهمترین آموزشها باید تحصیل زبان افغانی باشد از آموختن زبان انکلیزی اردو ترکی حتی فارسی تحصیل زبان افغانی‌را اهم واقدم باید شمرد .

بفکر عاجزانهٔ خود ما یکانه وظیفهٔ انجمن عالی معارف باید اصلاح وترقی وتعمیم زبان وطنی وملتیٔ افغانی باشد . ازارباب علم ودانش‌این

تصویر ۳. صفحه اول: محمود طرزی، سراج الاخبار افغانیه، ۲۰ سنبله ۱۲۹۴ (۱۲ سپتمبر ۱۹۱۵)

زبان یك گروپ مخصوصی تشکیل یافته کتابهای تعلیمیهٔ ضروری ولازمیٔ آموختن آنراتدوین و حاضر باید کرد. حتی برای تطبیق دادن کلمات فنی وصناعی، واختراعات جدیدهٔ که نامهای آن درزبان افغانی غیر معروفست کلمات مناسب ونامهای متناسب بزبان افغانی پیدا باید کرد وهرقدر اصلاح وترقی که لازم است درانباب اجرا باید کرد.

این راهم بگوئیم که زبان افغانی ما، یك زبان بسیار خوب وباقاعدهٔ میباشد. قواعد - یعنی صرف ونحو - آن بسیار متین ومنتظم است. متانت وصلابت آن مانند متانت وصلابت خود ملت افغان مردانه وپرمهابت میباشد. وازین است که بکمال فخر وسرور میبینیم که زبان عسکریٔ دولت مقدسهٔ ماعموماً زبان ملتیٔ افغانی است. همه بولیها وقومانده ها وتعلیمات قواعد عسکری نظامی بزبان افغانیست. زیرا صلابت ومهابت این زبان برای این مسئله خیلی موزون ومناسب افتاده، ویك شان وشوکت جسورانه بقواعد عسکری بخشیده است. اگر بولیهای قواعد عسکری بزبان فارسی میبود بسیار سست وکشال وغیرموزون دیده میشد. مثلا درمابین بولیٔ فارسیٔ :- «ای بلهم چی یك قدم به پیش» وبولیٔ افغانی «پرمخ زاو»، وبولیٔ، «تفنك را آتش ده» وبولیٔ، «اوورر»، وبولیٔ «ای عسکرها ایستاده شوید»، وبولیٔ «دریږ»، وامثال آنهافرقی که موجود است هرکس تسلیم باید بکند.

درسال اول (سراج الاخبار افغانیه) یك مقالهٔ نوشته ثابت کرده بودیم که «زبان افغانی اجداد زبانهاست». قارئین کرام ما آن مقالهٔ مخصوصهٔ مارا بازیکبار ازنظر بگذرانند تابدانند که زبان اصلیٔ ملتیٔ افغانیٔ ماتاچه درجه یك زبان بااهمیت وطبیعی وقدیم یك زبانیست. با اینهم زبان افغانی ازادبیات وحکمیات هم خالی نیست. وهم ادبیات بسیار شیرین وحکمیات خیلی نمکینی دارد که انشاءالله سراج الاخبار افغانیه همیشه بعضی پارچه های رنگین ادبیات وحکمیات زبان اصلیٔ ملتی خودرا درج صحائف افتخار خود خواهد نمود.

ای نونهالان چمنستان وطن!

زبان ملتی افغانی خودرا تقدیس نمائید، ودوست دارید ودر آموختن آن بسیار کوشش کنید. زبان رسمیٔ وسیاسیٔ فارسیٔ خودرا نیز بسیار دوست داشته بخوبی تحصیل کنید. زبان عربی چون زبان مقدس دینیٔ همهٔ مسلمانان وموجب فهمیدن قرآن عظیم الشان است ازهمهٔ زبانها آنرا مقدستر بشناسید، وآموختن آنرا برای ترجمه وفهمیدن معانیٔ قرآن کریم ازواجبات شمارید. زبان ترکی وارد ونیز چون از زبانهائیست که بسیاری ازبرادران مسلمانان مابه آن متکلم میباشند لهذا اگر محض برهمین مقصد ونیت اتحاد واخوت اسلامی بیاموزید هیچ باکی ندارد. اماچون زبان ترکی بدرجهٔ زبانهای اوروپا بعلوم وفنون متنوعهٔ جدیده توانگرتر میباشد وهم زبان یکدولت معظمهٔ اسلامیه میباشد غیرازمقصد اتحادو اخوت اسلامی برای ترجمهٔ علوم وفنون را ازان زبان بزبان خود مان نیز مفیدتر ثابت میشود.

(وکل لسان بالحقیقت انسان)

یعنی زبان دان شو وزبانهای بسیاری را بیاموز. زیرا هرزبان درحقیقت یك انسانی میباشد. بنابرین اگر زبان انگریزی یادیگر زبانهای غیردین را بیاموزید نیز چیزی بدی ندارد. ولکن در آموختن زبان انگلیزی اگر احتیاط ودقت بسیاری دران نشود ضررش نسبت به نفعش بیشتر است. زیرا اگر احتیاط نشود نتیجه بخشیدن «همزبانی خویشی وپیوندیست» ملحوظ است. فکر عاجزانهٔ ما این است که درمکتبهای مبارکهٔ حربیهٔ سراجیه ومکتب حبیبیه ازشاگردان صنف منتهی که از علوم دینیات وفلسفهٔ اسلامیه شهادتنامهٔ درجهٔ اعلارا حاصل کرده باشند یکچندنفر شاگردان دیندار وطن دوستی برای تکمیل تحصیل این زبان جداشود، ومقصد ازتکمیل تحصیل زبان انگلیزی آنها همینقدر باشد که اقتدار وملکهٔ مکملی درترجمهٔ کتابهای فنی وصناعیٔ آن زبان حاصل کنند. وبعد ازاینکه ملکهٔ لازمی را دران حاصل کردند به تنخواههای کافی محض برای ترجمهٔ کتابهای فنون وعلوم جدیدهٔ محتاج الیه مأمور شوند. زیرا تا کتابهای علمی وفنی عصر حاضر درزبان خود یك ملت بسیار نشود هیچ فایدهٔ حاصل نمیشود. چیزی که برخود این مدیر عاجز در خصوص ترجمه بتجربه ثابت گردیده این است که مترجمی که میخواهد از زبان غیر بزبان خود چیزی ترجمه کند شرط اعظم آن همین است که اول اصول تحریر وانشا وکتابت زبان خودرا بدرجهٔ اعلی بداند، تابتواند که معانی زبان غیررا بزبان خود تطبیق بتواند.

والحاصل یکی از جملهٔ اخلاق حسنهٔ ملتی مامسئلهٔ زبان بود که بهمینقدر تحریر وتقریر درانخصوص خودرا مکلف ومجبور میدانستیم. این است که بعرض مافی البال خلوصیت آمال خود پرداخته توفیق خداوندی را دربارهٔ خود، وهمه برادران دین خود نیاز میکنیم.



اختراعات محیرالعقول

ازرمانهای سابقه، تنها هفت اختراع عجیب وغریبی روایت شده است که آنرا «عجایب سبعه» گفته اند. ولی دربن عصرهای جدیده چنان اختراعات محیرالعقولی بظهور آمده که عجایب سبعه را به «اعجب العجایب سبعینیه» ابلاغ نموده است. بناءً علیه خواستیم که سرازین شمارهٔ جریدهٔ عاجزانهٔ خود ازبعضی اختراعات عجیبه وغریبهٔ عصرهای حاضره بعضی معلومات مفیده بنظر قارئین کرام خود جلوه گر سازیم. ذاتاً مقصد یگانهٔ (سراج الاخبار افغانیه) همین است که درتوسیع معلومات ابنای وطن عزیز خود کوشش ورزد. وازین است که گاهی ازدین، وگاهی ازدنیا، گاهی ازصنایع وگاهی ازبدایع، گاهی ازاخلاقیات، وگاهی ازادبیات گاهی ازفلسفه وگاهی ازسفسطه، گاهی ازسیاسی وگاهی ازقیاسی وغیره غیره بحث راندن وچنه جنباندن را وظیفهٔ لازمهٔ قلمیهٔ خود میشمارد. اگر چه بعضی :- [مغزما خورد وحلق خود بدرید] گفته خنده هم بکنند ولی چون صدای ماخوش خودما هم می آید ازانرو ازنغمه سرائیٔ خود داری نمیتوانیم!! ...

— § —

۱

ماشینهای دوار طبع

اول ازیك اختراع بدیعهٔ فن طباعت - یعنی چاپ - سخن میرانیم که مادرعلم وفن شمرده میشود:

تصویر ۳. صفحه دوم: محمود طرزی، سراج الاخبار افغانیه، ۲۰ سنبله ۱۲۹۴ (۱۲ سپتمبر ۱۹۱۵)